فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره بیست و دوم. تابستان ۱۳۹۷، صص۱۲٤-۱۰۵ Vol 2. No 22. 2018, p 105-124
شماره شاپا (۲۵۳۸-٦۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

معناشناسی مفهوم "حسن نیت" در پرتوی اسناد بین المللی بویژه کنوانسیون ۱۹۶۹ وین حقوق معاهدات

سید محمد حسین میرزاده
دانشجوی دکتری حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم
عضو انجمن بین المللی مطالعات تخصصی ترجمه کتبی و شفاهی ایبریا (AIETI)

چکیده

یکی از اصولی که امروزه در حقوق بین الملل در زمرهٔ اصول ناظر بر انعقاد و تفسیر معاهدات بین المللی مورد توجه قرار می گیرد عبارت است از اصل حسن نیت که با تحقیق، می توان برخی از ریشه های آن را در متون و اسناد حقوق روم جستجو نمود. تجزیه و تحلیل راجع به چگونگی شکل گیری اصطلاح مزبور و دلالت های لفظی و اصطلاحی آن می تواند مقدمه ای باشد جهت تفسیر بهتر مصادیق آن در متون اسناد بین المللی و در نتیجه، نیل به شناخت دایرهٔ شمول و کاربردی های حقوقی اصطلاح فوق الذکر از این رو، در اثر حاضر بر آن هستیم تا ضمن بر شمری ریشه های شکل گیری اصل حسن نیت در حقوق بین الملل معاصر از ابتدا تاکنون و بررسی برخی منابع لاتین و رومی شکل دهندهٔ اصطلاح **"Bona Fides"**و**"iudicia ex bonoe fidei"**، به کاربردهای متعاقب آن در ذیل اسناد و کنوانسیون های بین المللی بویژه کنوانسیون ۱۹۶۹ وین حقوق معاهدات بپردازیم. بدیهی است در مرحلهٔ تبیین، کاربرد اصطلاح مزبور در حقوق اسلامی را نیز مورد اشاره قرار خواهیم داد.

واژه‌های کلیدی: حسن نیت، حقوق روم، اسناد بین المللی، کنوانسیون ۱۹۶۹ وین حقوق معاهدات

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-12-07]

مقدمه

اصل حسن نیت، که امروزه در ذیل مواد ۲۶ در حوزهٔ انعقاد و عمل به تعهدات و ۳۱ مربوط به تفسیر معاهدات بین المللی کنوانسیون ۱۹۶۹ حقوق معاهدات وین هم شناخته می شود، دارای سابقه ای طویل در طول اعصار مختلف تاریخی است.

شکل گیری اصل حسن نیت در حقوق قراردادی بین المللی را می توان به حقوق روم باستان ارتباط داد؛ جایی که قانونگذاران و طرفین قراردادهای داخلی و خارجی در پی در نظر گرفتن اصل و رویکردی بودند تا طرف مقابل خود را موجب نمایند که به تعهدات خود عمل نموده و نخستین گام را با «اراده» و «صداقت» بر دارد. در حقوق بین الملل معاصر نیز اصل مزبور را امروزه به مثابه یکی از عناصر اصول کلی حقوق بین الملل می شناسند و برخی حقوقدانان نیز معتقدند که اصل مزبور خط مشی است که با اتکای بر آن می توان شاهد عمل به تعهدات بین المللی، تفسیر صحیح قراردادهای بین المللی و صحت انعقاد معاهدات و کنوانسیون های بین المللی بود.

در همین راستا، مادهٔ ۲۶ کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹ وین در ذیل عنوان **"Pacta Sunt Servanda"** اشعار می دارد: «تمامی معاهدات لازم الاجرا طرفین را ملزم می‌کند و بایست تعهدات مندرج در آن ها را با حسن نیت محقق نمود».

از مادهٔ فوق این گونه استنباط می شود که اصل در معاهدات و قراردادهای بین المللی در وهلهٔ نخست بر اراده، حسن نیت و صدق در رفتار است تا بتوان انتظار تحقق تعهدات متقابل را داشت. این بدان معنا است که در صورت عدم لحاظ حسن نیت و احراز سوء نیت و عدم صداقت به هنگام انعقاد یک معاهدهٔ بین‌المللی، اصولاً فقدان اصل حسن نیت ملموس می‌شود و بایست تبعات پس از آن را ناظر بود.

در مقالهٔ حاضر این سؤال مطرح می شود که معنای لفظی، سیاقی و کاربردی مکتسبه از اصطلاح حسن نیت چیست و آیا منظور از طرح آن در ذیل اسناد حقوقی بین المللی و کنوانسیون ۱۹۶۹ وین حقوق معاهدات با منظور شکل گرفتهٔ در ادوار تاریخی آن همانند است و یا دلالت های مختلف دیگری برای آن مطرح می‌شود.

در راستای پاسخ به سؤال فوق بایست به متون مراجعه شود که مبیّن نحوهٔ شکل گیری و هدف از شکل گیری اصطلاح حسن نیت در حقوق بین الملل باشند. بدیهی است با توجه به استفاده از این عبارت در حقوق روم، یکی از منابع استنادی این اثر بررسی اسناد بر گرفته از حقوق مزبور است تا بتوان مفاهیم و معانی مترتّب بر تعبیر مزبور را دریافت.

روند شکل گیری لغوی و اصطلاحی عبارت "حسن نیت" در حقوق روم

عبارت "حسن نیت" به فارسی، "الحسن النیه" به عربی، **"goodfaith"** به انگلیسی، **"Buena fe"**به اسپانیایی، **"Boa fe"**به پرتغالی، **"bonne foi"** به فرانسوی**(Wikitionary, 2012)**، در ذیل

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-12-07]

متون و اسناد قراردادی بین المللی جملگی همسان با یک لغت لاتین هستند که عبارت است از **"Fides"** که برای این مفهوم تعابیر پرشماری در لاتین ذکر می‌شود: **fefaciente, fidelitas, lidelis, confidere, confidntia** که تعابیر متضاد آن‌ها عبارت هستند از: **infidelitas , intidelis** (**Estéves, 2016, p. 4**)

تعابیر فوق الذکر در دامنهٔ ترادف، دلالت بر "صداقت"، "وفاداری"، "تحقق"، "رعایت" و "احترام" دارند و در دامنهٔ تضاد نیز دال هستند بر "بی وفایی" و "نقض عهد"؛ این در حالی است که رفته رفته در حقوق روم باستان تحولات لفظی و کاربرد شناختی زبان به گونه ای رقم خورد که با لحاظ لفظ **"Bona"** با معنای "خوب و دارای محاسن" ترکیب قراردادی **"Bona Cides"** در زبان لاتین شکل گرفته و دلالت های مهمی در قراردادهای فی مابین پیدا کرد. تا جایی که برخی کارشناسان از آن به مثابه «توقع رفتار منطبق با قاعده» یاد می کنند. **(NöRR, 1996, P. 16)**

جهت نیل دقیق تر به مفهوم ریشه ای اصطلاح **"Bona fides"** دیدگاه های ذکر شده در اثر کاستیرِ سانارا مورد واکاوی قرار می دهیم **(Castresana, 1991 , p36)**:

سسیرون:

Fides enimno minemi panmmihi videtner habere, cum fit quod dicitur. [۱]

سسیرون:

Audeamu simitaris toicos, qui studiase ex quirunt,undeverba sint ducta, credamusque quia fiat quod dictum est,appelatam fidem. [۲]

ایسیدرودِ سوییا:

Originum sire etymoligiarum librivigintì: Nomen fideiest dictum, siomnino fiat quod dictum esaut Promissum, et inde fides vocataabeo quod fit illud quod inter deum et hominem ninc etfoedus. [۳]

در طول تاریخ روم و توسعهٔ حقوقی مبانی مرتبط با تفکرات حقوقی نظام درونی آن، نهادهای مختلف حقوقی رشد نمودند که یکی از آن ها عبارت بود از موضوع مورد بحث این اثر یعنی **"Fides"** سابق بر این در جوامع مرتبط با جامعهٔ روم اصل بر پیوند ناگسستنی میان حقوق و مذهب بود و از این رو، حقوق را حوزه ای قضایی ـ مذهبی تلقی می کردند. در همان ایام، برای عمل به قراردادها و تعهدات دو جانبه و چند

---

۱. به نظرم زمانی می توان از رشد موثق "Fides" (وفاداری) سخن گفت که به آن چه می گوییم، عمل کنیم.

۲. علی رغم این، تأئی می جوییم به پیروان مکتب فلسفی «رواقی گری» که ریشه شناسی الفاظ جزء ذاتی علاقه مندی آن ها بوده و از این رو، اظهار می کنیم که "Fides" برای این "Fides" شد که بنا بود بدان چه می گوییم، عمل کنیم.

۳. Fides را زمانی به کار می برند که آن چه را گفته شده و یا وعده شده به طور کامل محقق شود؛ ماهیت استفاده از "Fides" در بیانات همین است؛ یعنی اوفو بالعقود؛ عمل به آن چه که توافق شده است. در مورد عمل به تعهدات میان پروردگار و بندهٔ او هم همین است که گفته می‌شود "Foedus"

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-12-07]

جانبه ی بایست به خداوندگار فیدیس[1]قسم یاد می شد و او را به عنوان ناظر بر تعهدات بر می‌گزیدند. **(Estéves, 2016, p. 8)**

لذا مستنبط از گزاره های فوق می توان این گونه اظهار نمود که منظور اصلی از کاربرد و شکل گیری واژهٔ **"Fides"** در معنای "عمل به کلام و گفته" بوده است؛ همانطور که سسیرون اشاره داشته: **"Fit quod dicitur"**[5]

لذا دلالت اولیهٔ واژهٔ فوق الذکر نیست مگر "عمل به تعهدات" و "تحقق قول و وعده" که مستفاد از رویهٔ حاکم بر نظام حقوقی روم، عدم پایبندی به آن با مجازات مذهبی همراه بود چرا که در صورت نقض عهد، فرد یا افراد ناقض قسم خود می شدند و بدین ترتیب، مستوجب مجازاتی که به تناسب برای آنان در نظر گرفته می‌شد. **(Estéves, 2016, p. 8)**

رفته رفته پس از ابتدای دوران شکل گیری واژه فوق الذکر و دلالت های مطروحه در طول ادوار تاریخی متعاقب شاهد آن هستیم که **"Fides"** به تکلیفی مبدّل شد که عمل به آن شایسته و عدول از آن همراه با قبح در انظار و مستوجب کیفر قلمداد می‌شد.

در گذر ایام و با تفکیک نامحسوس مراتب پیشین میان عبارت **"Fides"** و عمل به تعهدات و اقوال در ذیل سیاقی مذهبی و دینی، سیستم قضایی روم شاهد شکل گیری اصلی بر گرفته از رفتارهای، اجتماعی میان مردم و مسئولین ـ مردم و مردم شد که حاصل آن ایجاد "جمهوری" و مرز بندی های حاکمیتی بود و از این رو اصلی پا به عرصهٔ وجود نهاد که این بار در قامت "ضمانت" و یا "تعهد" متجلی نمی‌شد بلکه در رفتار و شخصیت اجتماعی افراد نهفته بود که از آن به مثابه **"Bona Fides"**[6]یاد می شد. در حقوق روم، **civile ius**[7]صرفاً برای افرادی استعمال می شد که دارای وجهه یا شخصیت "حقوق شهروندی" بودند و از این رو، حقی، مگر در موارد استثناء، برای غیر شهروندان و بیگانگان تصور نمی‌شد. **(Estéves, 2016, p. 9)**

لیکن با گذر زمان و انعقاد معاهداتی در ذیل **"Fides Publica"** به نظر توسعهٔ حقوقی روم به نحوی بود که بتوان شاهد برقراری رابطهٔ قراردادی میان مردم با بیگانگان شد، هر چند که بیگانگان همچنان مشمول **"ius civile"** نمی شدند. لذا از این جا بود که بنابر در نظر گرفتن "نیت" یا "اراده" به مثابه عنصری تعیین کننده میان روابط قراردادی رومیان با بیگانگان شد. **(Estéves, 2016, p. 9)**

با نگرش جدید شکل گرفته در حقوق روم نسبت به قاعدهٔ **"Bona fides"**، رفته رفته این گونه استنباط شد که مفهوم اصطلاح مزبور میان رومیان و بیگانگان نیز رواج پیدا کرده و طرفین ملزم می شدند به اقدام و عمل در ذیل حسن نیت که در تعارض با «سوء نیت» تعبیر می شد. در همین حال، قراردادها و تعهدات فی

---

1. DiosaFides

۲. عمل بدان چه گفته (توافق) می شود. (اوفو بالعقود)

۳. حسن نیت

۴. قانون مدنی (حقوق مدنی)

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-12-07]

ما بین طرفین منوط می شدند به رعایت بندی تحت عنوان بند **"Bona Fides"** و انعقاد آن ها بواسطهٔ همین نظر مثبت طرفین متعاهد محقق می گشت. **(Rodriguez, Revuelta, 2005, pp 127,187)** آن چه مسلم است و از برایند تحقیقات شکل گرفته پیرامون اصل **"Bona fides"** یا حسن نیت بر می‌آید این است که نظرات علی الظاهر نسبت به چگونگی شکل گیری و دلالت دقیق اصل فوق یا به عبارت بهتر، منشاء اصلی آن مختلف است. عده ای مبنای ورود آن به حوزهٔ قراردادها، عبارت از تجاری و سیاسی را **"iudicia Bona Fide"** و عنصر عدالت محور در تعاقب با کیفر می‌دانند و دیگر کارشناسان عقیده دارند اصل فوق منعث از **"ius civile"**حقوق مدنی مبتنی بر داوری‌های خصوصی **(iuter cives)** است؛ در گزارهٔ اخیر این گونه تعبیر می شود که اصل حسن نیت ابتدا الامر در ذیل حوزهٔ رسیدگی یا دادرسی عنوان می شود و از آن جا همراه با تکامل حقوق روم **(Consensu Contractae)** رشد می یابد. **(Estevés, 2016, p. 10)**

لذا با مرور مطالب فوق الذکر می توان این گونه استنباط نمود که اصطلاح **"Bona Fides"**یا "حسن نیت" که با اهداف خاص در حقوق رومی با پیوند به عقاید مذهبی آن دوران شکل گرفته بود مبنایی نداشت مگر برای اثبات این مدعا که توافقات، خواه شفاهی و مکتوب، بایست محقق شوند. این تحقق ممکن بود به جهت ترس ناشی از عواقب کیفری و حتی اخلاقی و عقیده ای باشد و ممکن بود جهت آن کسب منافع و امیال های شخصی و تجاری باشد. در هر یک از حالات مفروض مطروحه، بنابراین بوده که حسن نیت عاملی باشد جهت استحکام وعده ها و اقوال در راستای رسیدن به تحقق آن ها و عمل به تعهدات فی ما بین اشخاص با اشخاص و سپس، اشخاص با حاکمیت ها که امروز و در شکل گستردهٔ آن مبدّل شده است به اصلی جدا ناپذیر از اصول کلی ناظر بر حقوق بین الملل عمومی و حتی قراردادی (خصوصی) که در پرتوی مادهٔ ۲۶ کنوانسیون حقوق معاهدات۱۹۶۹ جلوه نموده است. عقیده و اذعان ایجاد کنندگان لغوی و کاربردی مضاف برماتنین نخستین عبارت حسن نیت هر آنچه که بوده باشد، رویکردشان «موظف» نمودن و «وادار» نمودن طرفین متعاهد گفتاری و نوشتاری بوده است تا بدین ترتب، "وفاداری" و "صداقت" آن ها را درنیت و فکر و البته عمل بسنجند و ریسمانی ایجاد کنند جهت تمسک به آن برای تحقق اهداف مفروض انگاشتهٔ خود در عرصهٔ داخلی و بین المللی.

تکامل عبارت **"Bona Fides"** که از آن تعبیر به حسن نیت در ذیل قراردادهای تجاری و حقوقی بین المللی علی الخصوص، کنوانسیون ۱۹۶۹ وین حقوق معاهدات می شود، در طول ادوار متمادی در جریان بوده است. در همین راستا می توان اشاره ای داشت به شکل گیری «قراردادهای حسن نیت» که اصولاً مبیّن اهمیت این ماهیت برای ارزش بحثی به معاهدات بوده است. به طور مثال کاتون[8]معتقد بوده است: **"Nummos, fide bone solvat"**[9] یا سیسرون در همین زمینه گفته است: **"Iudiciis in**

1. CATON

۲. بایست وجوه را با حسن نیت پرداخت نمود.

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-12-07]

"equibus additur ex fide bona" لیکن لو مباردی معتقد است که بایست مضاف بر اطلاقات فوق الذکر، مفاهیم جدید دیگری نیز به **"Fides"** افزود؛ این مفهوم جدید برای وی عبارت است از معیاری فراتر از شخص که در صورت بروز مناقشه میان طرفین این اجازه را بدهد تا از واژهٔ مزبور تفاسیر و تعابیر متنوع تری در نظر بگیرند. **(Lombardi, 1961, p. 28)**

به دیگر سخن، او معتقد است که بایست در **"Bona fides"** شرایط **"Bonus Vir"** یا «قاعدهٔ رایج رفتاری» مضاف بر **"Fides"** یعنی "قول فرد" بعلاوهٔ عمل کنندهٔ به آن ها را جهت حل منازعه میان طرفین قرارداد لحاظ نمود؛ یعنی می توان ورود حسن نیت به دادرسی را در برخی قراردادهای تجاری بین المللی مستنبط از گفته های وی مفروض دانست. بدین معنی که آیا طرفین ضمن درک صحیح مفهوم حسن نیت بدان عمل نموده اند یا خیر و اگر عمل نموده اند، در چه شرایطی و با چه رویکردی این امر رخ داده است.

آن گونه که کاسترِ سانا[1] مبتنی بر نظرات گروسو[2] اشعار می دارد، بحث "نیّت" در روابط تجاری بین المللی یا چند جانبه اصولاً همان حسن نیت است و غیر از این نمی توان فرض دیگری را مدنظر قرار داد. **(Castresana, op. cit, p. 110)**

به نظر دلیل اصلی این عقیده که توسط رویهٔ قضایی نیز مورد اشاره واقع شده این است که اصولاً حسن نیت یا **"Bona fides"** شرطی است از شرایط حاکم بر تابع یا شخص که در ذهن او می‌گنجد؛ نقیض این حالت یا شرط نیز همان **"Mala Fides"** یا "سوء نیت" است که می‌توان تعابیری نظیر: "فقدان صداقت"، "غرض ورزی" یا "فریب" را برای آن و در مقابل حسن نیت ارائه نمود. انصاف، وفاداری و حسن اراده هستند که متضمن عمل به قول و وعده می‌شوند و ایجاب می‌کنند که نقیض آن ها یعنی «سوءنیت» و «تقلب» مورد بازخواست قرار گیرند.

آن گونه که کاسترِ سانا بیان می کند، نمی توان **"Bona fides"** را منبع و منشأ تعهدات دانست لیکن می‌شود از آن به مثابه تعیین کنندهٔ حدود برخی از تکالیف و یا قلمروی شفاف تعهدات طرفین یاد کرد. **(Castresana 2015, p. 223)**

وی همچنین معتقد است که حسن نیت یا **"Bona Fides"** عملاً کاربردی دارد که از آن می توان برای تضمین تعهدات رفتاری بهره جست که بروز آن‌ها در تجارت یا خارج از حوزهٔ تجارت و در حوزهٔ حقوقی مستلزم محکمه ای بود برای اثبات حقوقی و اخلاقی این قبیل رفتارها. **(Casresana, op. cit. p. 63)**

جهت روشن شدن دامنهٔ معنایی که عبارت مزبور در طول اعصار متمادی پس از روند تکاملی در قراردادهای تجاری و بین المللی به خود گرفت، می توان نظر برخی از کارشناسان در این مورد را ارزیابی نمود.

---

۱. در محکمه هایی که اشعار داشته می شود مطابق با حسن نیت.

2. Castresana
3. Grosso

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-12-07]

در همین راستا، فرناندس بوخان[3]معتقد است: **"Bona Fides"** اصلی بوده است که در چارچوب اخلاق تجاری شکل گرفته و مبتنی است بر تعهدات متقابل؛ یعنی اعتماد و وفاداری در رفتار که البته در مقابل نظام حقوقی **"ius civile"** قرار می‌گیرد؛ نظامی که از اساس مبتنی بود بر رسمیت و ضمانت گرایی؛ همانگونه که ویکر[4]هم بیان می کند، حسن نیت در روم ـ منبعث از **"jus gentium"** نه تنها رفتاری مبتنی بر رعایت و عمل به قول را تداعی می نمود بلکه رعایت و عمل به تعهدات در تبادلات تجاری و گمرکی را نیز مبتنی بر استانداردهای زمان مربوطه در خود جای داده بود. **(Fernandez de Bujan op. Cit. p. 165)**. سالاسار ربوئلتا[5]در همین راستا می افزاید: «حفظ دلالت تجربی بر گرفته شده از **"Bonus Vir"** به نحوی که در راستای نظر سیسرون در این عرصه باشد ایجاب می کند که تلقی ما از حسن نیت به صرف عمل و گفته خلاصه نشود بلکه رفتارمان هم پاسخگوی عرف مردمان با کرامت باشد و مضاف بر این، به وعده هایمان در عرصهٔ تجاری و مبادلات نیز پایبند باشیم [. . .] یعنی در این صورت می توان مدعی شد که عبارت **"Bona Fides"**دچار تکامل مفهومی و گسترش دلالت معنایی شده است. **(Revuelta, op. Cit. p. 29)**

لذا مستفاد از ریشه های شکل گیری و تکامل اصل **"Bona Fides"** یا حسن نیت در حقوق قراردادی و معاهدات بین المللی می توان این گونه مدعی شد که حلول استفاده از این تعبیر و اصطلاح در حقوق روم و بعداً رژیم های حقوقی بین الدولی اصولاً بر پایهٔ اخلاق مداری، وفاداری و عمل به قول و عهد استوار بوده است و در تضاد با نادیده گرفتن قول یا سوءنیت قلمدادمی شده است. هر چند که بایست خاطر نشان ساخت که این بدان معنا نیست که پیش و یا پس از آن این مفهوم یا مشابه آن در دیگر تمدن‌ها بویژه تمدن اسلامی موجود نبوده است (رجوع به اصل‌های افو بالعقود و اصالت الصحه در مبانی فقهی و اسلامی)، لیکن شکل گیری و تکامل اصطلاح مزبور در حوزهٔ حقوق بین الملل معاصر ریشه در تعابیر و رفتارهای مطروحه در خلال تحقیق های پیشین داشته است. تکامل آن نیز در طول ادوار اثبات کنندهٔ این مدعا است که اصولاً حسن نیت بنا است ابتدا لامر طرفین یک معاهده یا قرارداد تجاری بین المللی را موجب کند که با صداقت مبادرت به بیان واژه ها و عبارات نمایند و در مرحلهٔ بعدی، بدان چه که می‌گویند پایبند بوده و عمل کنند.

یعنی اساساً این گونه می توان تلقی نمود که هر معاهده یا قرارداد بین المللی که مثلاً بناست در ذیل مادهٔ ۲۶ کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹ منعقد شود، بایست مستفاد از روند شکل گیری عبارت حسن نیت و کاربردهای آن تشکیل شود تا بتوان شاهد موجب نمودن طرفین به "واقع گویی" و "پذیرفتن نتیجهٔ" آن بود.

---

1. Fernandez bujan
2. Wieacker
3. Salazar Revuelta

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-12-07]

تعریف "حسن نیت" در حقوق اسلامی

حسن نیت اصولاً در فقه و حقوق اسلامی نیز دارای ریشه و کاربرد بوده است. تعریفی که در سیاق فوق الذکر برای اصطلاح مزبور به کار می رود عبارت است از: صداقت در نیت و عمل، فقدان ارادهٔ تقلب و کلاهبرداری و ایجاد ضرر برای طرف دیگر معامله (قاعدهٔ لاضرر) پایبندی به هدف معامله و داشتن رفتار درست و صادقانه در برابر تعهد، داشتن اعتقاد صادقانه به موضوعی ولو نادرست، نداشتن رفتار مغایر با معیارها و ضوابط متداول در قراردادها (دانش نامهٔ جهان اسلام، ۲۰۱۶، ص۶۱۸۹)

لذا همان گونه که پیداست، وجه مشترک اصطلاح مزبور در تعریف و لغت با نگاه حقوق روم در صداقت داشتن و عدم خدعه به هنگام توافق، اجرا و تفسیر معاهدات فی ما بین است. در همین راستا، می توان با مراجعه به نظر حقوقدانان شرقی به دلالت های اصلی اصطلاح مزبور احاطه پیدا کرد. حقوقدانان معتقدند، اصولاً مفهوم حسن نیت مستقر بر ۲ رویکرد و دیدگاه است: (سنهوری، ۱۹۸۶، ص۶۲۶)

۱ـ صداقت و اجتناب از خدعه و اندیشهٔ متقلبانه که در برابر سوء نیت قرار می گیرد و بنا است طرفین معاهده را ملزم به راستی و صدق در گفتار و رفتار نماید. بر این اساس، اگر شخصی به سبب جهل یا فریب خوردن (مثلاً به سبب وجود نشانه های خارجی برخوردار بودن طرف معامله از حق تصرّف) به اشتباه و یا اعتقادی صادقانه تصور کند عملش بر وفق قانون است، حسن نیت او احراز می شود و در اعمال قانون در مورد او تساهل می شود.

۲ـ داشتن رفتاری صادقانه و رعایت الگوهای متعارف در اجرای قراردادها.

لذا از تعاریف فوق الذکر این گونه می توان استفاده کرد که حسن نیت در حقوق اسلامی و داخلی نیز دارای مصداق است. کاربرد اصلی آن به گونه ای است که طرفین متعاهد را دعوت می کند تا با پایمردی و صداقت به آن چه که وعده می کنند عمل کنند و در تفسیر و تأویل مقررات و توافق های فی ما بین نیز حسن نیت را ناظر بر رفتارهای خود بدانند. لذا هر چند که در این بافت هم حسن نیت عملاً اخلاقی و ترویجی است لیکن می توان انتظار داشت که عمل خلاف آن یعنی با "سوء نیت" یا "خدعه" موجد تبعات حقوقی و آثار اخلاقی خواهد بود؛ بدین معنی که قانون گذار در صورت اثبات به حمایت از "فریب خورده" یا فردی خواهد پرداخت که حسن نیت و مراتب آن را در جای جای معامله مراعات کرده باشد.

"حسن نیت" در معاهدات بین المللی بویژه کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹

یکی از اساسی ترین اصولی که در رابطه با اجرا و تفسیر معاهدات بین المللی از آن سخن به میان می آید عبارت است از اصل حسن نیت؛ اصل مزبور نه تنها ۵ مرتبه در خلال کنوانسیون ۱۹۶۹ وین حقوق معاهدات مورد استفاده قرار گرفته[1] بلکه در منشور ملل متحد[2]، دیوان ها[3] و دادگاه های بین المللی نیز

۱. پیشگفتار، مادهٔ ۲۶، مادهٔ ۳۱، مادهٔ ۴۱ و مادهٔ ۶۹.

۲. بنده ۲ مادهٔ ۲ منشور ملل متحد.

3. PCIJ 1932 (treatment of polish Nationals Case)
PCIJ 1935 (Minority Schools in Albania Case)

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-12-07]

از آن یاد شده است. آن گونه که آقای مک نیر[2]اشاره می کند: « اجرای معاهدات منوط است به بازیابی تعهد "حسن نیت" متقابل»**(Mc Nair, 1961 , 465)**

این در حالی است که یکی از مهمترین منابع استنادی حسن نیت در اسناد بین المللی، در ذیل مادهٔ ۲۶ کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹ قلمداد می شود؛ جایی که اشعار داشته می شود: «طرفین متعاهد ملزم هستند تمامی تعهدات مندرج در معاهدات لازم الاجرا را با "حسن نیت" رعایت نمایند».

لذا جهت روشن شدن دایرهٔ شمول تعریف فوق مبتنی بر حسن نیت مروری خواهیم داشت بر حدود و ثغور مفهومی که در ذیل **"Pacta Sunt Servanda"**با مادهٔ ۲۶ کنوانسیون فوق الذکر اشاره می شود.

مستنبط از نظر دیوان بین المللی دادگستری در قضیهٔ آزمایش های هسته ای[3] عمل به تعهدات مبتنی است بر حسن نیت، لذا تعهد و عمل به آن را امروزه می توان اصلی ترین عنصری قلمداد نمود که برای حسن نیت در نظر گرفته می شود.

این در حالی است که به نظر نمی‌توان حدود اجرای حسن نیت در عمل را صرفاً منوط به مادهٔ ۲۶ کنوانسیون حقوق معاهدات دانست. یعنی به نظر می رسد برای نیل به مفهوم کاربردی آن در ذیل اسناد بین المللی و منظور آن در کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹ وین نیازمند بررسی دیگر اسناد و رویه های قضایی بین المللی باشیم.

البته بایست در نظر داشت که کنوانسیون وین ۱۹۶۹ و دیوان بین المللی هم تعریف دقیقی از حسن نیت ارائه نداده اند. حتی زمانی هم که بنا بود حدود و ثغور آن مشخص شود این تصمیم غالب شد که بهتر این است که تعریف محدودی از حسن نیت ارائه نشود. [4]این در حالی است که پروفسور بینگ چنگ[5]هم ضمن اشاره به سخنان لورد هوب هاوس[6]راجع به مطالعه منابع حقوق بین الملل تعریف دقیق و مشخص از حسن نیت در معاهدات و رفتارهای بین المللی را دشوار می داند.

در همین راستا راسل می‌گوید: «عبارات نارسایی که دلالت بر رفتار موجود بشر دارند همچون "حسن نیت"، "صداقت" یا "سوء نیت" مستلزم تعریف استقرایی (از علت به معلول رسیدن) هستند؛ یعنی می توان آن ها را نشان داد لیکن نمی شود تعریفشان کرد. **(Russel, 1897 , p. 436)**

مستفاد از تعریف مطروحه می توان این گونه مدعی شد که اصولاً شاید تعریف دقیق عبارت حسن نیت در غالب توافقات، معاهدات و رفتار بین المللی دشوار باشد؛ هر چند که بنا هم نیست هیچ تصوّری راجع به

PCIJ Reports 1935 (Rights of Foreign Nationals in Marroco Case)

1. Arbitral Case 1902 (Samoan Claims Case) PCA Case (North Atlantic Coast Fishers Case) [. . .]

2. Mc Nair

3. ICJ Reports 1974, 235 , par 381.

۴. در نشست ۷۷۲ کمیسیون حقوق بین الملل بنا بود در چارچوب پیش نویس اعلانیهٔ حقوق و تکالیف دولت ها (مادهٔ ۱۳) تعریف مشخصی از حسن نیت ارائه شود که منتج به نتیجه نشد. آقای اسلومانسون در نهایت این گونه نتیجه‌گیری کرد: «قاعده ای در کل قابل پذیرش که عملاً فاقد کاربردی لازم جهت مناقشات منبعث از معاهدات بود. »

5. Bing Chang

6. Lord Hob house

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-12-07]

دلالت آن وجود نداشته باشد. یعنی این یقین در جامعهٔ بین المللی وجود دارد که مفاهیمی همچون "صداقت"، "وفاداری"، "وجدان آگاه"، "ثبات"، "عدم تزلزل در تصمیم"، "حسن اراده" و. . . جملگی هم راستا و هم خانوادهٔ عبارت مزبور هستند که در نتیجه عدول از آن ها نه تنها اثر منفی اخلاقی دارد، بلکه در موارد مهم تر می تواند همراه با آثار حقوقی در معاهدات و مقررات بین المللی نیز باشد. بویژه این نگاه و ترادف‌های معنایی که از نظر گذشت را می توان با مراجعه به نظرات و اظهارات هیئت‌های مذاکره کنندهٔ حاضر در پیش نویس کنوانسیون ۱۹۶۹ وین حقوق معاهدات[1] و البته، ادبیات دکترین‌های موجود در این باره جویا شد. **(Mani, 1993, pp. 204-206)** حتی تصمیمات قضایی اتخاذ شده بواسطهٔ دیوان و دادگاه های بین المللی که در آقای چنگ آن ها را مورد اشاره قرار داده مؤید همین فرض هستند که مقصود از "حسن نیت" بعد اخلاقی "صداقت"، "انصاف"، "عدل" و "منطق گرایی" است که در همین راستا وی اظهار می دارد: «قابلیت اصل "حسن نیت" را می توان همچون قابلیت میزان اخلاق در نظر گرفت که جهت کاربردی نمودن نظام حقوقی ضروری است» **(Cheng, 1953, p. 118)**

به نظر می رسد در دیدگاه آقای چنگ آن چه که اصل حسن نیت در رویهٔ قضایی را مورد اشاره قرار می‌دهد و گفتمان آن را هویدا می‌سازد عبارت است از التزام طرفین به "صادق" بودن و "وفادار" بودن به قرارداد، گفته و وعده که خواه در حین انعقاد و خواه در حین اجرا بایست با آن ذهنیّت به استیفای تعهدات پرداخت.

در همین راستا و به سبب نیل به درک بیشتر از دلالت های مهم تعبیر فوق الذکر، نگاهی به نظر آقای او کونور[2] می اندازیم که شاید به تثبیت آن در اذهان کمک نماید. نکته حائز اهمیت در این باره آن است که او هم معتقد به وجود دلالت‌هایی از جنس ارزش‌های اخلاقی نظیر "انصاف"، "صداقت" و "منطق گرایی" است. او اظهار می دارد: «اصل حسن نیت در حقوق بین الملل، اصلی بنیادین است که قاعدهٔ **Pacta Sunt Servanda** و دیگر قواعد حقوقی با واسطه یا بی واسطه مرتبط با "صداقت"، "انصاف" و "منطق گرایی" از آن منبعث شده اند؛ اجرای تمامی این قواعد در هر لحظهٔ ممکن منوط است به تحقّق معیارهای "صداقت"، "انصاف" و "منطق گرایی" که در همان لحظه حاکم بر جامعهٔ بین المللی است» **(O'Connor, 1991, p. 124)**.

برآیند نظرات آقای چنگ و اوکونور مبیّن وجود عنصر اخلاقی در عبارت حسن نیت است. این دلالت اخلاقی و عنصر ذاتی بلاانفصال از تعبیر مطروحه همان نگرشی است که از ابتدای شکل گیری آن مدنظر مؤلفین و جوامع استفاده کننده از آن بوده است. لیکن قدر مسلّم این است که با توجه به شرایط فعلی جهان بویژه در حوزهٔ سیاسی و حقوقی آیا می‌توان به صرف دلالت‌ها و رویکردهای اخلاقی و کرامتی واژگاه و تعابیری همچون حسن نیت بسنده کرد یا می توان انتظار آثار دیگر نظیر اثر حقوقی را در پی عدم تحقق آن

1. Mani , 1993, p. p 204-206.
2. O'connor

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-12-07]

داشت؟ بدین معنی که در صورت عدم تحقق وعده ها و تعهدات مجرا فی ما بین طرفین متعاهد آیا اصل حسن نیت هم نقض یا تفسیر به رأی می‌شود یا خیر؟ در همین ارتباط آقای روسن[1] معتقد است: «. . . روش قرارگیری اصطلاح "حسن نیت" در ذیل حقوق معاهدات قاعده مند این گونه می نماید که صرف نظر از بار غیر قضایی – یعنی بار صرفاً اخلاقی. . . عبارت مزبور مشتمل است بر برخی بارها و محتویات قاعده ای که از ابتدا بنا هم بر این بوده است» .**(Rosenne, 1945-1986, p. 136)**

لذا بایست پذیرفت که بنابراین بوده است که حسن نیت پس از شکل گیری و ترتّب آثار اولیهٔ اخلاقی، توأم باشد یا بارو اثر حقوقی – قاعده ای که از این طریق بتوان انتظار تحقق تعهدات را داشت و در صورت عدول از آن، توقع برخورد و تنظیم مکانیسمی برای استیفای تعهدات مورد توافق را داشته باشیم که بدین ترتیب شاهد کاربردی شدن عبارت مزبور باشیم.

"حسن نیّت"؛ الزام یا معیاری جهت تحقق تعهدات؟

دیوان بین المللی دادگستری در آراء صادره خود (صلاحیت و قابل استماع بودن دعوا) در پروندهٔ اقدامات مسلحانهٔ ملی و فرامرزی نیکاراگوآ و هندوراس اشعار داشت که حسن نیت فی النفسه فاقد ایجاد الزام و تعهد حقوقی است. [2]یعنی به نظر می رسد مسئله الزام داشتن تعبیر مطروحه در رویهٔ قضایی بین المللی پذیرفته شده نباشد لیکن به نظر برخی صاحبان نظر حقوق بین الملل، حسن نیت را بایست معیار و استاندارد مدنظر قرار دادن معاهده قرار داد؛ به دیگر سخن، حسن نیت بایست به مثابه ابزار سنجش عمق و اندازهٔ تعهدات حقوقی در صحنهٔ بین المللی و حتی ملی قرار گیرد. این رویکرد به صورت مبسوط تر در ذیل پیش نویس هاروارد سند حقوق معاهدات مورد بررسی قرار گرفته است.

منظور از حسن نیت، روش و روحی است که حاکم بر اجرای تعهدات است؛ یعنی میزان وفاداری، جدیّت و بیداری وجدانی که برای تحقق تعهدات ایجاد شده و در نظر گرفته می شود. تحقق تعهدات از روی حسن نیت در غالب معاهده مستلزم مدنظر قرار دادن روح تعهدات به انضمام انطباق آن با مکتوبات است؛ هر آن چه که وعده شده را بایست بدون سوء نیت و طفره رفتن البته همراه با صداقت اجرا نمود و طرفین متعاهد بایست حد اعلای توان خود را جهت عمل به وعده ها بکار گیرند.[3]

از مقررهٔ فوق این گونه برداشت می‌شود که قصد متعاهدین و نویسندگان کنوانسیون معاهدات از بکار بردن حسن نیت در پرتوی متن سند مزبور اصولاً اعطای وجاهت "معیاری" و "رهنمون ساز" برای اصطلاح مزبور بوده است؛ یعنی معیاری هم برای انعقاد قرارداد و انتخاب واژگان مورد نیاز و هم الگویی جهت راهبری نمودن رفتار دولت های متعاهد در تعاقب انعقاد متنی که به آن اهتمام می ورزند. چنانچه رفتار مزبور منطقی، صادقانه و منصفانه باشد می توان آن را در تناسب با شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر مورد

1. Rosenne
2. O'Connor, 1991, p. 113. (Nicaragua- Honduras Dispute, ICJ Awards)
3. Harvard Draft on the law of Treaties, A. J. I. L, 1935,29,p. 981.

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-12-07]

یا مصداق اعمال نموده و توقع داشت غایت معیارها جهت توفیق در انعقاد و اجرای معاهده مدنظر قرار گرفته باشند.

"حسن نیت" و توقعات مشروع دولت ها

با مراجعهٔ مجدد به فرآیند تهیهٔ پیش نویس کنوانسیون ۱۹۶۹ حقوق معاهدات و نظرات هیئت های مذاکره کننده می توان به جهت گیری های دیگری در این رابطه پی برد. ارتباطی که میان اصل حسن نیت و انتظارات مشروع در این سند مورد اشاره قرار گرفته است با این رویکرد مطرح می شود: «[. . .] هنگامی که دولتی قاطعانه بر اجرای ارادهٔ خود تصمیم می گیرد، فی الواقع شاهد خلق انتظار و توقع در طرف مقابل هستیم و عملاً عدم تحقّق توقعات شکل گرفته به منزلهٔ عدم سازگاری با "حسن نیت" به شمار می رود. »[1] ویلیجر[2] در ارتباط با پیوند میان اصل حسن نیت و انتظارات مشروع دولت های متعاهد می افزاید: «مادهٔ ۱۸ کنوانسیون حقوق معاهدات وین ۱۹۶۹ عملاً تبیین کنندهٔ "حسن نیت" است چرا که حمایت کنندهٔ انتظارات مشروع دولت‌ها است که پیوندهای این چنین میان دولت ها ایجاد می‌کند» **(Villiger,1985, p. 321)**.

با نگاهی به رویهٔ قضایی بین المللی در می یابیم که انتظارات مشروع دولت‌ها و حسن نیت اصولاً مورد تأکید دیوان‌ها هم قرار گرفته است. در نتیجهٔ مباحث فوق و طرح مباحثی همچون رابطه میان انتظارات مشروع دولت‌ها و اصل حسن نیت می توان این گونه استنباط کرد که حسن نیت در انعقاد معاهدات هم توقع دولت‌ها است و هم ایجاد کنندهٔ توقع مشروع در دولت‌های متعاهد است. زمانی که معاهده ای از روی حسن نیت منعقد می‌شود و بنا است در راستای عمل به مادهٔ ۲۶ کنوانسیون وین حقوق معاهدات با حسن نیت هم اجرا شود اصولاً توقع مشروع و منطقی دولت ها ایجاب می کند که وعده ها و توقعات محقق شوند. بایست توجه داشت که همان گونه که پیش از این از نظر گذشت، صداقت، وفاداری و راستی مدنظر دولت ها است که توقع در آن ها ایجاد می‌کند و عدم پایبندی به هر یک از دلالت های فوق که بر گرفته از اصطلاح حسن نیت هستند منتج به بروز اختلال در تعبیر و نگرش دولت ها می شود.

عبارت "حسن نیت" در ذیل کدهای رفتاری موسوم به بیو[3]و بلس سارسفیلد[4]

مادهٔ ۱۵۴۶ قانون بیو مصوب در سال ۱۸۵۵ اشعار می‌دارد: «تمامی قراردادها بایست بر مبنای "حسن نیت" اجرا شوند؛ در نتیجه نه تنها طرفین را وادار می‌کند عمل راجع به آن چه شرح داده شده بلکه مرتبط است با

1. Yearbook of I2C,1965, p. 91 (par. 41)
2. Villiger
3. Andres Bello
4. Veles Sarsfield

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-12-07]

هر آن چه که با ماهیت تعهد سازگار است؛ حتی قانون یا عرفی که به موجب آن تعهدات گسترش پیدا می کنند».

همان گونه که ملاحظه می شود، مادهٔ بالا نیز از عبارت حسن نیت بهره برده است. استفاده از این تعبیر در سیاق بالا مبیّن عمل به تعهدات است و از برآیند تأکید بر این عبارت این گونه بر می آید که بناست حسن نیت بر ماهیت تعهدات عینی و ذهنی طرفین قرارداد اثرگذار باشد. در سوی دیگر، استفاده از عبارت "در نتیجه" در کلام بیو را نیز می توان این گونه تبیین کرد که تمامی تعهدات مصرّح یا ضمنی که در قراردادها مبتنی بر بندهای آن ذکر می‌شوند. البته بایست در نظر داشت که به جهت رابطهٔ تعهدات مندرج در قرارداد با دیگر عناصر، بایست ماهیت تعهد را در قانون یا عرف مدنظر نیز برای نیل به اهداف تبیین نمود.

می توان از مادهٔ ۱۵۴۶ مقرر در سال ۱۸۵۵ این گونه استنباط نمود که حسن نیت در این جا در مفهوم مضیّق خود به کار گرفته شده است و به مثابه قاعدهٔ کلی که بتوان از آن برای تعدیل تعهدات ناکارآمد بهره برد نمی توان بدان استناد کرد. به نظر اشاره به رویهٔ قضایی سنتی موجود در دوران مزبور جهت تبیین رویکرد دقیق تر خالی از لطف نباشد. رویهٔ مزبور در اعصار مطروحه که بایست در کنار متن قانون تفسیر شود، ظاهراً به اندک اشارات و طرح مباحث کلی بسنده کرده است که از برآیند کلی آن می توان حسن نیت را همچون اصلی تلقی کرد که بنا است به اصلاح اخلاقی و رفتاری طرفین یک قرارداد یا معاهده بپردازد. **(Hernan, op. cit, p. 224)**

فارغ از منابع سندی، قراردادی و رویه قضایی که در رابطه با مفهوم حسن نیت به کار گرفته شده و در صدد تبیین جایگاه و حدود و ثغور آن بوده اند می توان نظری هم به دکترین های موجود در این رابطه انداخت. به طور مثال، آقای فرناندو فوئیو[1] معتقد است که اصل "حسن نیت" یا همان **"Bona Fides"** این اجازه را می دهد تا تعهدات در حد «وسعت واقعی خود و در راستای استیفای حقیقی» پیش بروند. از دیدگاه وی، عینیت و ظهور و بروز حسن نیت اصولاً شکل دهندهٔ اصلی هستند که مبتنی است بر محورهای اخلاقی – حقوقی. آقای فوئیو در ادامهٔ نظر خود می افزاید: «قاضی، اصل کلی "حسن نیت" را در شکل وسیع و گستردهٔ خود اعمال می نماید تا بدین ترتیب بتواند به قاعدهٔ پوزیتیوی که منطقاً ایجاد می شود و تحمیل قاعدهٔ مخالف خود را به چالش می کشد، نائل آید.» **(Fueyo, 1990, pp. 153,161)**

این در حالی است که آقای آندریس بیو نظری در تعارض با نظر فوق الذکر مطرح می نماید. علّت اصلی مخالفت او نیز مبتنی بود بر عدم توافق روی اعمال قواعد مبتنی بر مادهٔ ۱۵۴۶ و به همین دلیل، اشاره به انصاف را که در مادهٔ ۱۱۳۵ قانون ناپلئون به مثابه الگو تلقی شده بود، کنار گذاشت. البته به اعتقاد آقای آلخاندرو گوس مَن[2] این احتمال وجود داشت که «ترسی به جهت بازگذاشتن دست قاضی در بررسی اسناد قراردادی و ورود به محدوده های خطرناک» ثمرهٔ نگاه اخیر الذکر باشد. **(Guzman, Op. cit, p. 86)**

---

1. Fernando Fueyo
2. Alejandro Guzman

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-12-07]

کد رفتاری بلس سار سفیلد مورخ ۱۸۶۹ در مادهٔ ۱۱۹۸ این گونه مسئله را تبیین می کند: «قراردادها نه تنها طرفین را موجب به رعایت مفاد رسماً مصرّح در خود می نمایند بلکه تمامی عواقب رفتاری و آثار ناشی از تعهدات مزبور را نیز شامل می شوند.»

از اظهارات فوق می توان انتظار داشت که حسن نیت نیز مراد ما تن بوده است. دلیل این نظر هم این است که بنا است اصل حسن نیت ولو این که تصریح هم نشده باشد در قواعد حقوقی عبارت از عرفی و قراردادی جاری و ثاری باشد. **(Gastaldi, op. cit. p. 311)**

لذا به عقیدهٔ صاحب نظران، مادهٔ ۱۱۹۸، که به بسیاری از قوانین اروپایی نیز تسرّی پیدا کرد، اصولاً دارای همچنین وجهی است؛ یعنی حتی اگر حسن نیت را مصرحاً نداشته باشد لیکن دارای قوهٔ اخلاقی ـ حقوقی الزام است. در همین راستا مضاف بر موارد فوق می توان مادهٔ ۲۴۲ قانون آلمان ۱۹۰۰ که به نوعی پدید آورندهٔ رویهٔ قضایی جدیدی بود و البته، مادهٔ ۱۳۳۷ قانون ۱۹۴۲ ایتالیا را نیز مورد اشاره قرار داد. **(Necochea, 2017, p. p. 3-5)**

در ادامهٔ مصادیق فوق می توان به کشور آرژانتین که در سال ۱۹۶۸ قانون مدنی خود را اصلاح کرد و در ذیل مادهٔ ۱۱۹۸ خود این چنین قید نمود، اشاره کرد: «بایست قراردادها را مبتنی بر "حسن نیت" و در تطابق با معنای رایجی که طرفین از متن دریافتند یا در می‌یابند منعقد، تفسیر و اجرا کرد؛ بدیهی است اجرایی کردن آن هم بایست با مراقبت و تأمل همراه باشد.» عمل به تدابیر فوق را به وضوح می توان در رأی صادره به سال ۱۹۸۶ نظاره کرد: «نظر به "حسن نیت" ذهنی (وفاداری) از سوی طرفین متعاهد (بستانکار و بدهکار) این گونه اذعان می شود که بستانکار در راستای اعتبارات خود و بدهکار در عمل به تعهدات خود قادر به تقاضای فراتر از حق خود نیستند. ضمن این که بایست غایت قرارداد فی ما بین نیز در نظر گرفته شود.» **(Acosta, Fernandez,1986 , op. cit, p. 469)** این در حالی است که علی الظاهر بنا است حسن نیت همچنان مفهوم موسع تری در قانون داخلی برخی کشورها من جمله آرژانتین پیدا کند.

از برآیند آن چه که تا بدین لحظه اشاره شد و بررسی قوانین داخلی برخی کشورهای مطروحه این گونه استنباط می شود که اصل حسن نیت دارای حدود ثغور موسّع تری پیش از گذشته شده است که همچنان بر وسعت آن بویژه در تفسیر افزوده می‌شود. در این که در معنای لغوی و بار ابتدایی آن اجماع وجود دارد عملاً شکی نیست لیکن اگر دامنهٔ وسعت تفسیر آن گسترش یابد شاید در آینده ای نه چندان دور شاهد ظهور ابعاد جدیدتر آن باشیم. بویژه این که تعبیر فوق الذکر صرفاً محدود به قوانین حقوقی بین المللی نمی‌شود و قوانین داخلی کشورها هم دربارهٔ آن نظر دارند. چنانچه معتقد به وجود مصادیق در عرصه های داخلی و بین المللی از حسن نیت باشیم، احتمال بعدی تسرّی نگاه حقوقی داخلی راجع به حسن نیت به صحنهٔ بین المللی است که در بُعد خفیف آن کشورهای بزرگ به صورت واحد یا انفرادی و در بعد وسیع تر آن، کشورها در مجموع، گروه و یا به صورت منطقه ای در آن دخیل خواهند بود.

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-12-07]

مفهوم "حسن نیت" در ذیل کنوانسیون بیع بین الملل وین، بازرگانی و اصول اونی درویت[1]

کنوانسیون بیع بین الملل وین در ذیل بند ۱ مادهٔ ۷ اشعار می دارد: «در تفسیر کنوانسیون حاضر بایست بُعد بین المللی آن و ضرورت ترویج یکپارچگی در اجرا و تضمین رعایت "حسن نیت" در تجارت بین الملل رعایت شود.» آن گونه که از مادهٔ مزبور بر می آید، مقرره ناظر بر تفسیر سند است و سخنی از قراردادهای بیع که در راستای آن منعقد می شوند به میان نمی آورد. اما نکتهٔ اصلی این جاست که متعاهدین و نگارندگان سند مصرحاً درخواست داشته اند که ضمن رعایت حسن نیت و نظارت بر آن به اجرای مفاد اهتمام ورزیده شود. در یک استنباط کلی حتی می توان اذعان داشت که بنا نیست حسن نیت در لفظ باقی بماند و یا صرفاً در تفسیر چاره ساز باشد بلکه دامنهٔ وسعت آن راحتی می توان به انعقاد قرارداد نیز تسرّی داد. علی رغم این، نمی توان از وجود ابهام در متن فوق سخن نگفت. ابهام از آن جایی نشأت می‌گیرد که بنا بود فرمول تعهدات میان دولت هایی باشد که صدد پیروی از یک قاعدهٔ کلی راجع به حسن نیت ناظر بر قراردادها باشند و مخالفین با آن از خطر ارجاع به داوری قضایی نگران بودند.

اگر بخواهیم با وضوح بیشتر به این عبارات بپردازیم بایست اظهار داشت که علی الظاهر معضل موجود راجع به حدود و ثغور تعریف و تفهیم حسن نیت در اجرای معاهدات و قراردادها در کنوانسیون مزبور نیز به چشم می خورد و بالطبع گریبان دیوان‌ها و دادگاه‌های بین المللی را نیز در مقام تفسیر می‌گیرد. **(Necochea, 2017, p. 8)**

خانم مِرِمینسکایا[2] استاد دانشگاه شیلی در اثر خود راجع به حسن نیت قراردادی به این موضوع پرداخته است. مستنبط از نظر وی، هر چند دیوان های شیلی هیچ موردی راجع به مادهٔ مزبور نداشتند اما در آراء دیوان های بین المللی مواردی راجع به آن یافت می شود. اختصاصاً دادگاه های بین المللی آلمان و اتریش که در رابطه با اجرای اصل حسن نیت آرایی صادر کرده اند در این مورد نظرات مبسوطی داشته اند. **(Mereminskaya, 2003, pp. 255-273)**

علی رغم ابهامات موجود مطروحه در استفاده از عبارت حسن نیت در قراردادهای بین المللی، بند ۷ مادهٔ ۱ اصول جهانی اونی درویت در رابطه با قراردادهای بازرگانی و تجاری بین المللی به جهت مشی تصریحی، به نظر ابهامات را از اذهان می زداید و تکلیف دولت ها را دقیق تر معیّن می نماید. مادهٔ مزبور اشعار می دارد:

الف) طرفین بایست با حسن نیت و وفاداری مبادله ای در چارچوب تجارت بین الملل اقدام نمایند.

ب) طرفین قادر نیستند تکلیف فوق را محدود کنند یا آن را کنار بگذارند.

لذا از مقررهٔ فوق در می یابیم که حدود ثغور حسن نیت در تجارت و بازرگانی بین المللی با تعابیر متعاقب تکمیل و تصدیق می شود. آن جا که اشاره به "وفاداری" یا قید "تجارت و بازرگانی" می‌شود به نظر

1. UniDroit
2. Mereminskaya

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-12-07]

دولت های متعاهد را به سمت مراعات قواعد اخلاقی و حرفه ای حوزهٔ مزبور رهنمون می نماید. یعنی هم اشاره به حسن نیت و هم اشاره به رعایت اخلاق رایج در حرفهٔ "بازرگانی" یا تجارت که به نوعی تعیین کنندهٔ نقشهٔ راه و محدود کنندهٔ تعاریف است.

از مجموع مباحث مطروحه شاید بتوان رویکردها نسبت به اصل حسن نیت و اعمال آن را این گونه تقسیم بندی نمود که: کشورهای کامن لاو[3]عملاً در برابر این اصل مقاومتی از خود نشان نمی دهند، هر چند که بریتانیا در برابر این عبارت به مثابه قاعدهٔ کلی برای رفتار تأمل دارد؛ کشورهای رومی و مستقر بر قوانین مدنی همچنان به توسعه و گسترش این اصل با رویکرد گشاده تر عمل می کنند؛ مادهٔ ابهام برانگیز کنوانسیون ۱۹۸۰ بیع وین علی الظاهر نیز به مثابه چارچوب قاعدهٔ قابل اعمال به قراردادها تلقی شده است؛ اصول اونی درویت (یکپارچه سازی حقوق بین الملل خصوصی) مؤید نقش اساسی حسن نیت در نظام قراردادی بین المللی است.

البته بایست اذعان داشت که مواد اخیر الذکر در دو سند بین المللی لزوماً موضع رسمی تمامی دولت ها حساب نمی شود هر چند که می توان آن را به مثابه زبان حقوقی مشترک در حوزهٔ قراردادهای بین المللی بازرگانی و تجارت قلمداد نمود. بدیهی است نقش اصلی در این عرصه بر عهدهٔ بار رفتاری و اخلاقی است که عبارت حسن نیت به دوش می کشد؛ یعنی اصل را بر وفاداری، عمل به تعهدات و صداقت گذاشتن و پرهیز از عدول از این فروض نمودن.

نتیجه گیری

بنا بر نظر آقای فیتس موریس[4]که طی سخنانی در آکادمی لاهه در سال ۱۹۵۷ برخی نظرات را راجع به حقوق بین الملل عمومی مطرح می کرد، «منظور از یک اصل یا اصل کلی، که در تضاد با قاعده است، حتی قاعدهٔ کلی، این است که بنا نیست فی النفسه قاعده باشد لیکن بنا است که به تفسیر قاعده کمک کند؛ به دیگر سخن، اصل، تبیین کنندهٔ علّت قاعده است؛ در حالی که "قاعده" پاسخ گوی پرسش "چه چیزی" است، اصل عملاً در پاسخ به "چرا" کاربرد دارد.» **(Fitzmaurice, 1957, 92)**

شاید مستنبط از نظر آقای فیتس موریس بتوان اصل حسن نیت را نیز پاسخ گوی پرسش "چگونه" در ذیل اسناد و متون حقوق بین الملل بویژه کنوانسیون حقوق معاهدات وین قلمداد کرد.

هر چند که تبیین حدود و ثغور دقیق برای کاربرد حقوقی بین المللی اصل حسن نیت شاید دشوار به نظر برسد، لیکن قدر متیقّن بنا از بکار گرفتن آن در حقوق بین الملل و البته تلقی شدن به مثابه یکی از اصول در انعقاد، اجرا و تفسیر معاهدات بین المللی این بوده است که طرفین معامله و متعاهد ملزم شوند به "رعایت"،

1. Common Law
2. Fitzmaurice

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-12-07]

"اخلاق مداری"، "صداقت" و "پرهیز از سوء نیت" که هر یک از آن ها نقش مؤثری در فرآیند فوق الذکر ایفا می نمایند.

همان گونه که در اثر حاضر نیز اشاره شد، بنا نیست عدول از حسن نیت در معاهدات بین المللی توأم با اثر اخلاقی و حتی حقوقی نباشد که اتفاقاً همین آثار و عواقب به نوعی تضمین کنندهٔ اجرا و در نظر گرفتن آن توسط دولت ها می شود ولو این که هر دولتی تفسیر خاص خود را از اصل مطروحه داشته باشد. لذا می‌توان نظر به نکات کلیدی مطرح شده انتظار داشت که در صورت لحاظ و مراعات حسن نیت توسط دولت‌ها و نمایندگان آن ها حین فرآیند مذاکرات تا انتهای انعقاد و اجرای معاهده به انضمام تفسیر معاهدات بین المللی، مستنبط از مادهٔ ۲۶ کنوانسیون حقوق معاهدات وین که اجرا را در ذیل لحاظ اصل مزبور قلمداد می‌کند، شاهد فراگیر شدن آن میان دولت ها باشیم و اهتمام جدی تری نسبت به پرهیز از عدول آن را شاهد باشیم چرا که علی القاعده با توجه به اهمیت آن که تضمین کنندهٔ مقبولیت فرآیند معاهده سازی است حتی می توان انتظار جدیت بیشتر را در مکانیسم های شبه قضایی بین المللی در آینده جهت ضمانت لحاظ ذهنی و عینی آن توسط دولت ها و نمایندگان آن ها داشت؛ این فرض قطع به یقین دور از ذهن نیست چرا که بر اساس مستندات، امروزه حداقل وفاق در چارچوب دامنهٔ لفظی، دلالت و کاربرد شکلی و ماهوی حسن نیت میان نظام های حقوقی داخلی (بسیاری از آن‌ها) و بین المللی شکل گرفته است که همین امر می تواند مقدمه ای باشد جهت کاهش اختلافات میان چگونگی تلقی آن در میان دولت ها؛ هر چند که در عمل همان گونه که در نظام های حقوقی داخلی شاهد انحراف عده ای در حین اجرای توافق و معاهدات هستیم در صحنهٔ بین المللی نیز به طریق اولی مواجه با رویکردها و تفسیرهای انحرافی بوده و خواهیم بود.

علی ایحال، طرح چند بارهٔ عبارت حسن نیت در ذیل کنوانسیون ۱۹۶۹ وین حقوق معاهدات علی الخصوص در ذیل مادهٔ ۲۶ و دیگر اسناد بین المللی بارزِ مبیّن ضرورت اهتمام جدی دولت ها نسبت به موضوع مزبور است و علی الیقین صرف نظر نمودن از آن یا احراز "حیله"یا "سوء نیت" که جداً در تضاد با مفهوم مزبور هستند به نظر حتی مخلّ مشروعیت و مقبولیت بخشی به فرآیند کامل انعقاد، اجرا و تفسیر معاهدات بین المللی موجد آثار حقوقی تلقی شوند.

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-12-07]

فهرست منابع و مآخذ

فارسی:

۱. ویکی فقه (دانش نامه جهان اسلام)، ش ۶۱۸۹

۲. بهرامی احمدی، حمید، "سو استفاده از حق: مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام و دیگر نظام های حقوقی"، تهران، ۱۳۷۷

۳. تفسیری بر حقوق بیع بین الملل: کنوانسیون ۱۹۸۰ وین، نوشته ۱۸ نفر از دانشمندان حقوق دانشگاه های معتبر

۴. جعفر زاده، میر قاسم، سیمائی صراف، حسین، "حسن نیت در قراردادهای بین المللی: قاعده ای فراگیر یا حکمی استثنائی"، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۴۱، (بهار و تابستان ۱۳۸۴)

۵. رحیمی نژاد، اسماعیل، آشنایی با حقوق جزا و جرم شناسی، قم ۱۳۷۸ شمسی

عربی:

۶. حسینی مراغی، عبدالفتاح بن علی، "العناوین"، قم ۱۴۱۷- ۱۴۱۸

۷. سنهوری، عبدالرزاق احمد، "الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید"، ج۱، بیروت، ۱۹۸۶-۱۹۵۴

لاتین:

الف) اسپانیایی:

8. Estéves, Eduardo Moyano, “La Formación del Principio de la Buena Fe en el Derecho Romano y su Influencia en la Legislación Española Actual”, Universidad de Salamanca, 2016-2017

9. Nörr, D. , “La Fides en el Derecho Internacional Romano”, Seminario Complutense de Derecho Romano, UrisicinoAlvarez, Madrid, 1996

10. Salazar Revuelta, M. , “Formación en el Derecho Romano y en la Tradición Romanística del Principio de la Buena Fe y su Proyección en el Derecho Comunitario Europeo”, Revista Internacional de Derecho Romano, 2005

11. FitzMaurice, La Haya, 1957

12. Castresana, A. , “Fides, Bona Fides: un Concepto para la Creacion del Derecho”, Ed. Tecnos, Madrid, 1991

13. Castresana, A. , “Las Definiciones de la Propuesta de Reglamento Relativo a una Normativa Común de Compraventa Europea”, Cuadernos de Derecho Transnacional, Marzo de 2013, Nota 20

14. Cicerón, In verrem, 6,83

15. Lombardi, “De la Fides a la Bona Fides”, Milan, 1961

16. Gelly y Obes, Juan Andrés, “La Buena Fe”, Biblioteca Digital de la Universidad Católica Argentina, 2012

17. Fernández de Bujan, A. , “El Papel de la Buena Fe en los Pactos, Arbitrajes y Contratos”, Revista de Derecho de la U. N. E. D, Madrid, 2010

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-12-07]

18. Sansón Rodríguez, M. , “La Buena Fe en el Cumplimiento de las Obligaciones Contractuales en el Derecho Romano Clásico”, Anales de la Facultad de Derecho, 2001
19. Fueyo, Fernando, “Instituciones de Derecho Civil Moderno”, Editorial Jurídica de Chile, 1990
20. Mereminskaya, Elina, La Revista de Derecho, Santiago, Universidad Central de Chile, Julio de 2003
21. Ramírez Necochea, Mario, “La Buena Fe en los Contratos Internacionales”, Facultad de Derecho de la Universidad de Chile, 2017
22. Versión de D’Ors et al, Digesto, Pamplona, Aranzadi, 1968
23. Louzan, Nelly, “La Buena Fe en el Derecho Romano”, en varios autores, Tratado de la Buena Fe en el Derecho, Buenos Aires, La Ley, 2004
24. Aristóteles, Gran Ética, Altamira, España, 1984
25. Vernengo, Roberto, “Los Principios de la Buena Fe”, en varios autores, op. Cit. , Nota 2
26. Gastaldi, José, “La Buena Fe en el Derecho de los Contratos, su Consagración desde el Código Civil de Vélez Sarsfield”, en varios autores, op. Cit. , Nota 2

ب) انگلیسی

27. www.DFDL.com
28. UN Charter
29. PCIJ Awards, 1932, 1935
30. ICJ Reports, 1952, 1974
31. Award of PCA, XI RIAA 167, 1985
32. Bin Cheng, “General Principles of Law as Applied by International Courts and Tribunals”, Sterens and Sons, 1953
33. O´ Connor, “Good Faith in International Law”, Daramouth, 1991
34. Resenne, S. , “Developments in the Law of Treaties¨, (Chapter 3), Cambridge Up, 1945-1986
35. Mani, V. S, “Basic Principles of Modern International Law”, Lancers Books, 1993
36. MC Nair, A. D. , “The Law of Treaties”, Oxford, 1961
37. Rezek, J. F. , Luthi, D. Et al, “Tax Treaties and Domestic Legislation, IFA Seminar Series, 1989
38. Russell v. Russell 1897 A. C. in Cheng, Ibid, “Good Faith in the Perspective of (other) General Principles of International Law, see Brounlie, I. Principles of Public International Law, Oxford University Press, 2003
39. Joint Disserting Opinion of Basolevant, Winarski, MC Nair and Read to the Admissions Case (Advisory Opinion), ICJ Reports, 1947-48
40. Wiktionary, The Free Dictionary, 2015, Disposable on: www. Wiktionary. Org

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-12-07]

اسناد و کنوانسیون های بین المللی:

41. Vienna Convention on Law of Treaties, 1969
42. UNIDROIT Principles of International Commercial Contracts, 2004
43. UN Convention on Contracts for the International Sale of Goods (Vienna, 1980)

[Downloaded from jlawst.ir on 2025-12-07]